



جامعة المصطفى صلى الله عليه وآله العالمية - مجتمع آموزش عالی مشهد مقدس

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد

رشته فقه و معارف اسلامی - گرایش فقه و اصول

قلمرو احکام اولیه، ثانویه و احکام حکومتی

استاد راهنما:

حجت الاسلام و المسلمین نوروزی

پژوهشگر:

عنایت الله محمدی

کد تحصیلی: ۱۱۵۴۱۰۵

بهار ۱۳۹۵

بلاغت

مسئولیت نقل مطالب

* مسئولیت مطالب این رساله، به عهده نگارنده می باشد.

* استفاده از این رساله، با ذکر منبع و نام جامعة المصطفی العالمية بلامانع است.

* نشر این پایان نامه در داخل کشور جمهوری اسلامی ایران، منوط به اخذ مجوز از جامعة

المصطفی العالمية است.

اهدا

این اثر ناچیز را به یگانه موجود موعود، بهانه هستی، قلب عالم امکان، صاحب العصر و الزمان، امام الانس و الجان، مهدی این امت و خاتم امامت حضرت حجة بن الحسن العسکری علیه السلام که روزی، وجود منورش از پرده غیب و سرّ الهی آشکار، جهان از فیض وجودش، بهره مند و دنیای ظلمانی بشریت از آب زلال عدالتش سیراب، پرچم حکومتی توحیدی و عدالت اجتماعی برافراشته و احکام نورانی اسلام در جهان پرتوافکن خواهد شد، تقدیم می نمایم.

سپاس‌گزاری

در مطلع سخن، از پدر و مادر مهربانم که طریق معرفت پروردگار و راه و رسم محبت و عشق ورزی به خاندان نبوت، اهل بیت عصمت و طهارت را به من آموختند و با تحمل سختی‌ها و تنگنای زندگی، مسیر گام نهادن در وادی علم دینی و معنویت الهی را برایم هموار کردند، تشکر می‌نمایم.

هم‌چنین، از استاد محترم، جناب حجت الاسلام و المسلمین حاج آقای نوروزی که از راهنمایی عالمانه خویش در تدوین و تنظیم این اثر بهره‌مندم ساخت و نیز از زحمات خالصانه دوستان تحصیلات تکمیلی مجتمع آموزش عالی مشهد، از سویدای دل و اعماق روان، سپاس‌گزاری می‌نمایم.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تاریخ :

شماره :

پیوست :

معاونت آموزشی - اداره کل

تحصیلات تکمیلی



جامعة المصطفی العالمية
Al-Mustafa International University

مشخصات پایان نامه:

نام طلبه: عنایت الله نام خانوادگی: محمدی کد تحصیلی: ۱۱۵۴۱۰۵ رشته تحصیلی: فقه و معارف اسلامی گرایش: اصول . محل تحصیل: مشهد مقدس عنوان پایان نامه قلمرو احکام اولیه، ثانویه و حکومتی استاد راهنما: حجة الاسلام و المسلمین مرتضی نوروزی استاد مشاور: ندارد

کلید واژه‌ها: احکام فقهی، احکام حکومتی، اولی، ثانوی، ولی فقیه، حاکم اسلامی

تعداد منابع: ۱۷۵ عنوان

تذکره ۱: چکیده باید حداکثر ۳۰۰ کلمه و حاوی مطالب زیر باشد: ۱. مسئله تحقیق ۲. مجموع یافته‌ها ۳. پیشنهادات تحقیق

تذکره ۲: امضای اساتید راهنما و مشاور در پایان چکیده الزامی است.

چکیده

مسئله «قلمرو احکام اولیه، ثانویه و احکام حکومتی» یکی از مسائل مهم فقهی و دارای آثار ارزشمند اجتماعی و سیاسی است که مورد توجه اکثریت فقها و دانشمندان اسلامی قرار گرفته است. احکام اولیه، برای موضوعات با عناوین اولیه ثابت می شود و در مواردی که انسان ها از انجام احکام اولیه ناتوان و عاجز شود، یا حالات عناوین خاصی دیگر پدید آید، اسلام، دستوراتی به عنوان احکام ثانویه تشریح کرده است، تا مبدا انسان مکلف در عسر و حرج

قرارگیرد یا به امر آنها، احکامی به عنوان حکم حکومتی از کرسی ولایت سرچشمه می گیرد و اختصاص به حاکم اسلامی دارد. فلسفه تشریح و تجویز شارع، حکم حکومتی را برای حاکم اسلامی این است که مردم در رویارویی با مسائل یاد شده دچار حیرت نشده و بلا تکلیف، باقی نماند. تردیدی در جعل و تشریح این احکام نیست؛ آنچه جای بررسی دارد و اندیشمندان اسلامی را به تلاش و تعمق واداشته و بستر گفتمان موافق و مخالف را پدید آورده است، گستره این احکام در پرتو آموزه های اسلامی است. آنچه که در این باره می توان گفت این است که احکام اولیه، تا وقتی برای یک امر و موضوعی، ثابت است که حالت ثانوی بر آن عارض نگردد. از این منظر می توان حکم اولی را حکم اصلی و بنیادی موضوعات دانست که احکام تأسیسی، واقعی، مولوی و... به آن متصف می شوند؛ بر خلاف حکم ثانوی، که حکم فرعی و تبعی محسوب می شود و در حالات و شرایط خاص پدید می آید.

احکام حکومتی در شرایط خاص سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بر اساس موازین احکام شرعی اولی یا ثانوی پدید می آید و اطاعت از آن بر همه گان واجب است. بقای احکام مزبور بستگی به بقای شرایط یاد شده دارد و تا وقتی شرایط مزبور باقی است این احکام نیز باقی است و بازوال شرایط مذکور این احکام نیز زایل می شود.

نام و نام خانوادگی استاد راهنما و امضاء	نام و نام خانوادگی مشاور اول و امضاء	نام و نام خانوادگی مشاور دوم و امضاء

فهرست مطالب

۳	مسئولیت نقل مطالب.....
۴	اهدای.....
۵	سپاسگزاری.....
۱	مقدمه.....
۱	۱. بیان مسئله.....
۱	۲. سؤالهای اصلی و فرعی.....
۲	۳. فرضیه های تحقیق.....
۲	۴. پیشینه تحقیق.....
۴	۵. ضرورت تحقیق.....
۴	۶. اهداف تحقیق.....
۴	۷. نوآوری تحقیق.....
۴	۸. روش تحقیق و گردآوری اطلاعات.....
۵	۹. ساختار کلی تحقیق.....
۶	بخش اول: کلیات و مفاهیم.....
۷	۱-۱. مفهوم شناسی.....
۷	۱-۱-۱. قلمرو.....
۸	۱-۱-۲. حکم.....
۱۰	۱-۱-۳. اقسام حکم.....

۲-۱. موقعیت حکم اولی، ثانوی و حکومتی در دسته بندی احکام.....	۱۹
۱-۲-۱. موقعیت حکم اولی.....	۱۹
۲-۲-۱. جایگاه حکم ثانوی نسبت به سایر اقسام احکام.....	۱۹
۳-۲-۱. جایگاه حکم حکومتی در اقسام حکم شرعی.....	۳۰
بخش دوم: گستره احکام ثانویه و حکومتی.....	۴۰
۱-۲. اهمیت، تبیین و قلمرو عناوین ثانوی.....	۴۱
۱-۱-۲. اهمیت احکام ثانوی.....	۴۱
۲-۱-۲. تبیین عناوین ثانوی.....	۴۲
۳-۱-۲. قلمرو احکام ثانوی.....	۹۰
۲-۲. تفاوتها، مصادیق و قلمرو حکم حکومتی.....	۹۱
۱-۲-۲. تفاوت احکام حکومتی با عناوین اولی و ثانوی.....	۹۱
۲-۲-۲. ویژگی های حکم حکومتی.....	۹۸
۳-۲-۲. قلمرو موضوعی حکم حکومتی.....	۱۰۰
۴-۲-۲. تطبیق و مصادیق احکام حکومتی.....	۱۰۸
جمع بندی و نتیجه گیری.....	۱۱۲
کتابنامه.....	۱۲۳

مقدمه

۱. بیان مسئله

مسئله «قلمرو احکام اولیه، ثانویه و احکام حکومتی» یکی از مسائلی فقهی^۱ است که اکثریت فقها و دانشمندان اسلامی در آثارشان به آن پرداخته است. راز این توجه، جامعیت و جاودانگی دین اسلام است که پاسخگوی نیازهای بشر در تمام عرصه های زندگی مادی و معنوی آن می باشد. بحث و تبیین موضوع فوق، از اهمیت و جایگاه ویژه ای برخوردار است و می تواند نقش مهمی در زندگی فردی و اجتماعی انسان ها ایفا نماید. احکام اولیه، برای موضوعات با عناوین اولیه ثابت می شود و در مواردی که انسان ها از انجام احکام اولیه ناتوان و عاجز شود، اسلام، دستوراتی به عنوان احکام ثانویه تشریح کرده است، تا مبدا انسان مکلف در عسر و حرج قرارگیرد یا به امر خارج از توان خود مکلف شود. چنانکه در مسائل مستحدثه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و...، اسلام قوانین و مقررات جامعی را به عنوان احکام حکومتی تشریح نموده است تا مردم در رویارویی با چنان مسائلی، دچار حیرت نشده و بلا تکلیف، باقی نماند. بنابراین، تردیدی در جعل و تشریح این احکام نیست؛ آنچه جای بررسی دارد و اندیشمندان اسلامی را به تلاش و تعمق واداشته و بستر گفتمان موافق و مخالف را پدید آورده است، گستره این احکام در پرتو آموزه های اسلامی است. امری که این خامه، تلاش در پرداختن و جستاری در فهمیدن آن دارد.

۲. سؤال اصلی

قلمرو احکام اولیه، ثانویه و احکام حکومتی چیست؟

۳. سؤالهای فرعی

- واژگان قلمرو، حکم اولیه، ثانویه و حکومتی چه مفهومی دارد؟ و حکم چند قسم است؟

- احکام اولی و ثانوی و حکومتی چه رتبه ای در دسته بندی و گونه های احکام دارد؟

۱. ناگفته نماند که اندیشمندان اسلامی از نظر کلامی و حقوقی نیز این مسأله را مورد بحث قرار داده ولی خارج از موضوع این رساله می باشد.

- احکام ثانویه در قانونگذاری اسلامی چه اهمیتی دارد؟ و عناوین و قلمرو آن چگونه است؟
- احکام حکومتی با عناوین اولی و ثانوی چه تفاوت‌های دارد؟ و قلمرو و مصادیق آن کدام است؟

۴. فرضیه های تحقیق

- حکم، اقسام گوناگونی دارد که به اعتبارات مختلفی قابل تقسیم است .
- موقعیت احکام اولی ، ثانوی و حکومتی در دسته بندی احکام، متفاوت است.
- تبدیل احکام اولی به ثانوی ، دائرمدار ملاکها است، و تبیین آن در تشخیص قلمرو احکام، از اهمیت والای برخوردار است.
- قلمرو احکام حکومتی، تابع مصالح و مفاسد و مقتضیات جامعه است. که با تبیین ویژگی و بیان مصادیقش آشکار می شود.

۵. پیشینه تحقیق

با توجه به ویژگی‌های جاودانگی و جهان شمولی دین مقدس اسلام، بحث «قلمرو احکام اولیه و ثانویه» از همان ابتداء، به وسیله وجود مقدس پیامبرگرمی اسلام (ص) مطرح شده است^۱ و بعد از آن، توسط اندیشمندان و دانشمندان اسلامی مورد تأمل و ژرف نگری قرار گرفته و هر فقهی به فراخور توان و قدرت علمی خود، متعرض این مسئله شده و پس از کنکاش و گفت و گو، دیدگاه ایشان در اکثر کتب فقهی بازتاب یافته است.

آنچه در این مقوله از اهمیت شایانی برخوردار است، پرداختن به مسئله «قلمرو احکام حکومتی» است، که در این زمینه - تا آنجای که من تحقیق نموده ام - از سوی فقهای اسلامی بحث مستقل تحت این عنوان، مطرح نشده است، شاید بدین جهت باشد که در دوران غیبت کبری فقهای شیعه در مرکز تصمیم گیری سیاسی و اداری جامعه نبودند، و نتوانستند جز در موارد نادر، آن هم در دهه های

۱. که به عنوان نمونه، حکم اولیه در مورد «مردار»، «خون»، «گوشت خوک» و «آنچه بانام غیر خدا ذبح شده» حرمت است؛ اما در صورت اضطرار، عسرو حرج و مانند اینها، حکم اولی آن (حرمت) به حکم ثانوی (جواز) تغییر می کند که از قواعد مسلم «الاضرر» و «نفی حرج» استفاده می شود.

اخیر^۱ از ولایت خود استفاده کنند، ولی درعین حال، هیچ زمانی ضرورت حکومت و حفظ نظام، جامعه اسلامی را به چالش نکشیده اند.^۲ اولین بار در نیمه قرن سیزدهم، ملا احمد نراقی معروف به فاضل کاشانی، فصل مستقلی از کتاب خود، عوائدالایام را به این مسأله «قلمرو احکام حکومتی و اختیارات ولی فقیه» اختصاص داد.^۳ پس از وی شاگرد نامدارش، شیخ انصاری، در کتاب البیع خود شمه ای از این مباحث را مطرح کرده است.^۴ پس از مرحوم نراقی، اولین فقیهی که «حکم حکومتی و قلمرو آن» را به تفصیل مورد بحث و بررسی قرار داد، حضرت امام خمینی (ره) بود.

که با پیروزی انقلاب اسلامی و شکل گیری نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران تحت زعامت و هدایت این رهبر زمان شناس، فقیه مدیر و مدبر، آگاه و فرزانه، مسئله حکومت و دایرة احکام حکومتی، به صورت دقیق و عمیق مطرح و بیش از هر زمانی، مورد توجه قرار گرفت؛ و اگرچه در کتب و مقاله های فقها و دانشمندان اسلامی، به صورت پراکنده مطرح شده^۵ که بیان آنها در این تحقیق نمی گنجد. ولی بحث مستقل با عنوان مزبور در مکتوبات آنها نیافتیم.

۱. همانند: حکم میرزای شیرازی در قضیه تحریم تنباکو، و حکم جهاد علیه ایتالیا، روسیه و انگلیس توسط آیه الله سید محمد کاظم یزدی و حکم جهاد و بسیج عمومی علیه انگلیس از سوی آیه الله سید عبدالحسین لاری .. (امام خمینی، ولایت فقیه، ص ۱۸).

۲. امام خمینی، کتاب البیع، ج ۲، ص ۴۶۱؛ محمد حسن النجفی، جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۴۰۴؛ محمد حسین النائینی، تنبیه الامة و تنزیه الملة، ص ۱۰۰.

۳. ملا احمد نراقی، عوائد الایام، ص ۵۲۹.

۴. مرتضی انصاری، المکاسب، ص ۱۵۳.

۵. همانند: شیخ مفید، کتاب المقنعه، ص ۸۱۰؛ زین الدین بن علی العاملی الجبعی، مسالک الافهام، ج ۱، ص ۵۳؛ محقق کرکی، وسایل المحقق الثانی، رساله صلاة الجمعة، ج ۱، ص ۱۴۲؛ مولی احمد، مقدس اردبیلی، مجمع الفائدة والبرهان، ج ۴، ص ۲۰۵؛ آقا رضا همدانی، مصباح الفقیه، کتاب الخمس، ص ۱۶۰؛ جواد بن محمد حسینی عاملی، مفتاح الکرامه، کتاب القضاء، ج ۱۰، ص ۲۱؛ میرفتاح مراغی، العناوین، ص ۳۵۴؛ شیخ محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۱۶، ص ۱۷۸؛ سید محمد بحر العلوم، کتاب بلغه الفقیه، ج ۳، ص ۲۳۲؛ آیت الله بروجردی، کتاب البدر الزاهر فی صلاه الجمعة والمسافر، ص ۵۲؛ مهدی حائری یزدی، حکمت و حکومت، ص ۱۷۸. و نیز رجوع شود به: محمد اسحاق، عارفی شیرداغی، حقیقت و گستره حکم حکومتی، آموزه های فقه مدنی، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، شماره ۴.

۶. ضرورت تحقیق

تردیدی نیست که احکام اولیه، ثانویه و حکم حکومتی در زندگی فردی و اجتماعی جوامع بشری، از نقش ممتاز و اهمیت فوق العاده برخوردار است و فهم تمایز هریک از احکام اولیه، ثانویه و حکم حکومتی از یکدیگر و همچنین، درک و تفکیک قلمرو آنها، می تواند ابعاد جدیدی در فراروی پیشرفت و سعادت مادی و معنوی جوامع انسانی بگشاید؛ با این وجود، پژوهش مستقل و فراگیری در این مقوله انجام نشده و پرداختن به آن، ضروری می نماید.

۷. اهداف تحقیق

هر تحقیق و پژوهشی، پی جوی هدف یا اهداف اند؛ بنابراین، تحقیق کنونی نیز اهداف زیر را دنبال می کند:

۱. ارائه درک روشنی از قلمرو حکم اولی و ثانوی و حکم حکومتی؛
۲. مقایسه تطبیقی برخی از رویکردهای فقهای اسلامی درباره حکم حکومتی با اولی و ثانوی و درک وجوه تشابه و تمایز آنها؛
۳. بیان ویژگی ها و چگونگی تقدیم حکم حکومتی در مقام تراحم با سایر احکام.

۸. نوآوری تحقیق

۱. تمرکز بر مباحث احکام اولیه و ثانویه و حکومتی و تبیین رابطه آنها؛
۲. جامعیت و بررسی تطبیقی و مستقل موضوع.

۹. روش تحقیق و گردآوری اطلاعات

این تحقیق، با اتخاذ روش استدلالی و تحلیل منطقی، استفاده از شیوه کتابخانه ای و اسنادی، مطالعه تطبیقی متون فقهی و مقایسه آنها با یکدیگر و همچنین، با عنایت به منابع دسته اول و موجود، به جمع آوری مطالب از کتابها و مقالات مختلف فقهی، پرداخته و با تجزیه و تحلیل آنها، به نتیجه گیری ابعاد مختلف موضوع، دست یازیده است. به بیان دیگر، روش گردآوری داده های این تحقیق، کتابخانه ای است و رویکرد آن، توصیفی-تحلیلی است که با توصیف دیدگاه های مرتبط با

موضوع، آغاز و با تحلیل منطقی نظریه ها و نقد و بررسی آنها، پایان یافته است.

۱۰. ساختار کلی تحقیق

تحقیق حاضر، از مقدمه و دو بخش فراهم آمده است. بخش اول، از دو فصل تکوین یافته و در فصل اول، مفاهیم و کلیات و در فصل دوم، موقعیت احکام اولیه و ثانویه و حکومتی بحث شده است. بخش دوم، به گستره احکام اولیه، ثانویه و حکومتی اختصاص یافته، در طی دو فصل مباحث این بخش را عهده دار شده است. در فصل اول، اهمیت، تبیین و قلمرو احکام ثانویه و در فصل دوم، تفاوتها و قلمرو احکام حکومتی مورد بررسی قرار گرفته است.

بخش اول: کلیات و مفاهیم قلمرو احکام اولی

۱-۱. مفهوم شناسی

از مسائلی که در هر نوشته‌ای، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و باید مورد بررسی قرار گیرد، تبیین مفاهیم اساسی و مطالب مرتبط با موضوع بحث است که اگر معنای واژگان مورد استفاده در موضوع و مفاهیم کاربردی به دقت بیان و محدوده دلالت آنها مشخص گردد، بسیاری از اختلاف نظرها و تفاوت آرا از بین خواهد رفت. چه بسا یک لفظ، دارای معانی متفاوت و گاه متضادی است که هر کدام ممکن است منشأ اشتباهات و اختلاف‌های فراوان شود؛ بنابراین، بررسی معانی لغوی و اصطلاحی واژگان «قلمرو»، «حکم»، «حکم اولی»، «حکم ثانوی»، «حکم حکومتی» و اقسام آن و دیگر مفاهیم مرتبط جهت ورود به بحث اصلی لازم است.

۱-۱-۱. قلمرو

لفظ قلمرو، در زبان فارسی، به معانی منطقه حکومت، ناحیه حکمرانی^۱، حوزه فرمانروایی^۲ و منطقه نفوذ آمده و سرحد هر کشوری که در قلمرو آن است، «منطقه امن» نامیده شده است. چنانکه این واژه در زبان عربی، به معنای سیطره، مجال، حیّز، نِصاق و ناحیه^۳ به کار رفته است از نظر اصطلاحی، تعریف جدیدی از این لفظ ارائه نشده و فقهای اسلامی نیز این کلمه را به همان معنای لغوی آن استعمال کرده اند. به طور کلی، «قلمرو» به معنای محدوده و حوزه است؛ لیکن این حوزه و حدود راجع به هر چیزی فرق می‌کند و هر چیز به حسب خودش، یک نوع قلمرو دارند؛ مثلاً قلمرو

۱. محمد معین، فرهنگ فارسی، ج ۲، ص ۲۷۲۰.

۲. حسن عمید، فرهنگ عمید، ص ۷۹۹.

۳. احمد سیاح، فرهنگ دانشگاهی، ص ۵۶۵.

یک کشور، همان حوزه فرمانروایی حاکم آن کشور و به تعبیری، سیطره حاکمیت یک دولت است. بنابراین، احکام نیز قلمروی دارند و آن، تمام مسائل و اموری است که مربوط به زندگی فردی و اجتماعی انسان در جنبه دنیوی و اخروی است. حضرت امام علیه السلام در این زمینه می گوید:

«قلمرو احکام، تنها مسائل عبادی و معاملاتی و خانوادگی نیست؛ بلکه شامل کلیه دستورات عملی اسلام می گردد و هیچ موضوع حیاتی نیست که اسلام تکلیفی برای آن نداشته باشد.»^۱

۱-۱-۲. حکم

۱-۱-۲-۱. در لغت

اهل لغت برای واژه «حکم» معانی گوناگونی بیان کرده است که از باب نمونه، به چند مورد اشاره می شود:

راغب اصفهانی در کتاب مفردات می نویسد: «حکم در اصل، به معنای جلو گیری کردن چیزی در جهت اصلاح است؛ از این رو، به افسار حیوانات، «حکمه الدابة» گفته می شود.»^۲ فیومی در مصباح المنیر می گوید: «حکم به معنای قضاوت است و اصل آن به معنای منع و جلوگیری کردن است.»^۳ جوهری نیز می نویسد: «کلمه حکم، مصدر حَكَمَ يَحْكُمُ است، به معنای قضاوت کردن به نفع آن یا علیه آن.»^۴ ابن اثیر هم در تعریف حکم می گوید: «حکم عبارت است از: علم و فقه و قضاوت عادلانه.»^۵

وجه مشترک دیدگاه های اهل لغت این است که حکم در اصل، به معنای منع است و در مواردی به مفهوم قضا و داوری کردن به کار می رود. شاید تعبیر قضا از حکم از آن رو است که قضا، مانع از اختلاف و منازعه طرفین دعوا می گردد.

۱. سید روح الله خمینی، ولایت فقیه، ص ۱۱.

۲. حسین بن محمد راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۲۴۸؛ نشوان بن سعید، شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکلوم، ج ۳، ص ۱۵۳۶.

۳. احمد بن محمد مقرئ فیومی، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، ص ۱۴۵.

۴. اسماعیل بن حماد، جوهری، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة، ج ۵، ص ۱۹۰۱.

۵. مبارک بن محمد جزری (ابن اثیر)، النهایة فی غریب الحدیث و الأثر، ج ۱، ص ۴۱۸.

۱-۲-۱-۲. در اصطلاح

در باره مفهوم حکم در کاربرد فقها، دیدگاه‌ها و نظرات متفاوتی بیان شده‌اند و علتش هم شاید گستردگی و وسعت دامنه آن است، به گونه‌ای که ارائه تعریف جامع و مانع از این لفظ، بسیار دشوار است. با این وجود، بیان برخی از تعاریف و نظرات مهم فقها و اندیشمندان اسلامی در این خصوص ناگزیر است.

۱. شهید اول در القواعد و الفوائد نوشته است: «حکم شرعی، خطاب‌ی است که به افعال مکلفین^۱ از جهت اقتضا یا تخیر^۲ تعلق گرفته است.»

۲. محمد حسن نجفی در جواهرالکلام نوشته است: «حکم، عبارت است از انشاء و انفاذ حکم شرعی یا وضعی یا موضوع آن دو در مورد خاص از ناحیه حاکم، نه خداوند متعال.»^۳

۳. شهید محمد باقر صدر می‌گوید: «حکم، عبارت است از قانونی که از جانب خداوند برای تنظیم زندگی انسان وضع شده است.»^۴

۴. سید محمد تقی حکیم نیز می‌نویسد: «حکم، همان اعتباری است که از جانب شرع به افعال بندگان تعلق گرفته است؛ فرقی نمی‌کند که مباشر و متصل باشد، یا نباشد.»^۵

باتوجه به عبارات بالا، سه تعریف عمده نسبت به واژه حکم به نظر می‌رسد؛ لیکن تعریف شهید صدر از همه تعاریف فوق بهتر است؛ چون حکم شرعی، جعل و دستور است، نه خطاب؛ زیرا اولاً خطاب، حکم نیست؛ بلکه کاشف و ابراز کننده حکم است و ثانیاً، موضوع حکم شرعی تنها افعال مکلفین نیست؛ بلکه گاهی خود مکلف و زمانی اشیای دیگر است؛ مثلاً در زوجیت، موضوع ذات مکلف و در ملکیت، شیئی دیگر است. اگر حکم شرعی به خطاب تعبیر شود، ملکیت و زوجیت را

۱. سیف الدین آمدی، الاحکام فی اصول الاحکام، ج ۱، ص ۹۵.

۲. محمد بن مکی عاملی (شهید اول)، القواعد و الفوائد، ج ۱، ص ۳۹.

۳. محمد حسن نجفی، جواهرالکلام، ج ۴۰، ص ۱۰۰.

۴. سید محمدباقر صدر، دروس فی علم الاصول، الحلقة الاولى، ص ۱۶۱؛ ناصر مکارم شیرازی، دائرة المعارف فقه مقارن، ص ۲۱۵.

۵. سید محمد تقی حکیم، الأصول العامة فی الفقه المقارن، ج ۱، ص ۵۲.

شامل نمی گردد.

۱-۱-۳. اقسام حکم

فقهای اسلامی راجع به حکم، از جنبه های مختلف تقسیماتی ارائه نموده اند و از آنجا که موضوع این نگاشته، به بررسی گستره و قلمرو سه نوع حکم می پردازد، ناگزیر، تقسیمات گوناگون حکم مورد بررسی قرار می گیرد.

۱-۱-۳-۱. تکلیفی و وضعی

شهید محمد باقر صدر در کتاب دروس فی علم الاصول می نویسد: «حکم تکلیفی، عبارت است از حکم شرعی که به رفتارهای انسان ها از جهات گوناگون فردی، عبادی، خانوادگی و اجتماعی مرتبط می باشد؛ همانند حرمت شراب، وجوب نماز، وجوب انفاق برای بعضی از خویشاوندان و عادل بودن حاکم. همه این احکام به صورت مباشر و مستقیم مربوط به اعمال و افعال انسان می شود و به این احکام و همانند آنها، حکم تکلیفی گفته می شود.

حکم وضعی، عبارت است از حکم شرعی که به صورت مستقیم و مباشر به افعال انسان ها ارتباط ندارد؛ بلکه به صورت غیر مستقیم به رفتارهای انسان ارتباط پیدا می کند؛ مثل «زوجیت» که به صورت مستقیم موجب الفت و علاقه میان زن و شوهر می شود؛ ولی به صورت غیر مستقیم، در افعال و رفتارهای زوجین آن هم بعد از تحقق زوجیت اثر می گذارد که به این احکام و مانند آن، حکم وضعی می گویند.^۱

سید محمد تقی حکیم می گوید: «حکم تکلیفی همان خطاب و دستور شارع است که اقتضای مطالبه انجام کاری را از مکلف یا بازداشتن و خودداری کردن از انجام آن را دارد، یا اقتضای تخییر بین انجام شیء یا ترک آن شیء به صورت یکسان دارد.»^۲

سید علی بن عبدالاعلی سبزواری نیز گفته است: «حکم تکلیفی، همان اعتبارات و دستوراتی

۱. سید محمد باقر صدر، پیشین، ج ۱، ص ۵۳.

۲. سید محمد تقی حکیم، پیشین، ص ۵۴.

شرعی است که متضمن و در برگیرنده اقتضا و تخییر بوده و منحصر در «احکام خمسة تکلیفیه» حرام، مکروه، واجب، مستحب و مباح است؛ اما حکم وضعی، احکام و اعتباری شرعی است که متضمن اقتضا و تخییر نیست؛ مثل شرطیت، جزئیت و مانند اینها.^۱

جمعی از پژوهشگران نیز می نویسند: «حکم تکلیفی، همان بایدها و نبایدها است که به طور مستقیم به فعل مکلف مرتبط است و موضوع آن، انجام یا ترک فعلی به وسیله مکلف است. حکم تکلیفی به پنج نوع - وجوب، حرمت، استحباب، کراهت و اباحه - تقسیم می شود. حکم وضعی، حکمی است که صفت شیئی و یا فعل و ترکی را تبیین می کند و همواره به طور غیرمستقیم، به افعال مکلف مرتبط است و به غیر از احکام پنج گانه تکلیفی، تمامی احکام شرعی دیگر؛ مانند نجاست، طهارت، صحت، بطلان، ملکیت، شرطیت و مانعیت، احکام وضعی اند.»^۲

بنابراین، کلیه مجعولات شارع برای موضوعات مختلف، به جز احکام خمسة تکلیفیه، احکام وضعیه است؛ مانند جزئیت، سببیت، شرطیت، مانعیت، ملکیت، زوجیت، لزوم، جواز، طهارت، نجاست، حجیت و عدم حجیت و ولایت. از این رو، انحصار آن در سه یا پنج یا هفت و نه - چنانکه در کتب پیشینیان آمده است - وجهی ندارد.^۳

با عنایت به تعاریف فوق، می توان گفت، حکم تکلیفی در واقع، همان «بایدها» و «نبایدها» است که از شارع مقدس به صورت اقتضای طلب فعل یا ترک فعل یا تخییر صادر شده و مستقیم به رفتار مکلفین مربوط می شود. همانند وجوب نماز، حرمت شراب، وجوب انفاق برای برخی از خویشاوندان و عادل بودن حاکم. این احکام در اصطلاح فقها، به «احکام خمسة تکلیفیه» معروف است و شامل وجوب، حرمت، استحباب، کراهت و اباحه می گردد؛ اما حکم وضعی، همان صفت شیئی، یا فعل و ترکی را تبیین می کند که همواره به صورت غیر مستقیم، به افعال مکلفین و به صورت مستقیم، به اشخاص و اشیاء تعلق دارد. که اکثراً موضوع حکم تکلیفی قرار می گیرد؛ مثل جزئیت،

۱. سید علی بن عبدالأعلی سبزواری، الاستنساخ بین التقنیة و التشریح، ص ۱۲۴. سید محمد تقی حکیم، پیشین، ص ۵۸، ۶۸.

۲. جمعی از پژوهشگران، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، ج ۱، ص ۲۹.

۳. ابو القاسم گرجی، تاریخ فقه و فقها، ص ۱۰.